



علائم ظهور در آیات قرآن

زهرا فیزاللهی*

فخری سادات موسوی**

چکیده

أحادیث مربوط به مهدویت پیرامون ابعاد مختلف این باور اسلامی در کتب اسلامی مطرح شده است و با توجه به منابع حدیثی شیعه ضرورت دارد تا درباره ابعاد مختلف مهدویت از جمله علائم ظهور با مشخصات ویژه ای که به تواتر سند وجود دارد بپردازد. و با تطبیق روایات با آیات قرآن در مورد برخی از این نشانه ها حقیقت امر با أدله قرآنی مشخص شود. تا کسانی که به هر نحو داعیه قیام و ظهور را دارند توان هرگونه سوء استفاده یا انکار آن را نداشته باشند. برخی از این علائم نظیر: سفیانی، خسف بیداء، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، و امر ظهور، که ائمه معصومین (ع) به کرار آن را تأیید نموده اند.

کلید واژه ها: سفیانی، خسف، صیحه، بیداء، قائم، نفس زکیه.

* دکتر و استاد دانشگاه.

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

در منابع روایی از پاره ای حوادث آینده با عنوان نشانه های ظهور یاد شده است. این نشانه هائی که امامان (ع) ذکر فرموده اند با توجه به این که از حیث شماره فراوان و از حیث سند متصل و متواتر، و از نظر معنا با هم متفق هستند، موجب آنست که ظهور قائم (ع) پس از آن نشانه ها باشد، همچنان که تعیین وقت ظهور را باطل کرده اند و فرموده اند: «هرکس از ما برای شما تعیین وقتی را روایت کند بی محابا تکذیبش کنید هرکه باشد زیرا ما تعیین وقت نخواهیم کرد».

از علائم ظهور که وجه اشتراک بین فریقین می باشد، برخی حتمی و برخی غیر حتمی اند و از آنجا که این سؤال برای برخی افراد بوده که در قرآن آیاتی وجود دارد که در مورد حضرت مهدی (ع) و خصوصا به علائم ظهور اشاره کرده باشد؟ باید گفت به نقل از ائمه (ع) آیات بسیاری در خصوص مهدی موعود (ع) آمده است.

و از جمله آیاتی که در مورد علائم حتمی ظهور و روایات متعدد مربوط به آن که پیش از قیام قائم (ع) رخ می دهد عبارتند از:

عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: «پیش از قیام حضرت قائم (ع)، پنج نشانه بیاید: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی».

عمر بن حنظله، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحة، و السقیانی، و الخسف و قتل النفس الزکیة، و الیمانی» فقلت: «جعلت فداک، إن خرج أحد من أهل بیتک قبل هذه العلامات أنخرج معه؟ قال: «لا»^۱.
شیخ صدوق از امام باقر (ع) روایت کرده است که ایشان فرموده اند «ایام الله» سه روز است: «روز قیام قائم آل محمد (ص)، روز رجعت و روز قیامت»^۲. چنانچه خدا نیز در قرآن به آن اشاره فرموده که: «ذُکِرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵/۱۴). با توجه به این آیه و حدیث فوق که به صورت مکرر از سایر ائمه در تفاسیر مختلف آمده روشن می شود که ظهور از وقایعی است که به حتم اتفاق می افتد. و از علائم حتمی آن همین موارد است که حتی در قدیمی ترین کتب أهل سنت نیز از جمله سنن و صحاح به وفور آمده است. برخی از این نشانه ها که می توان تجلی آنها را در آیات

دید از این قرار اند:

خروج سفیانی

از نشانه های ظهور مهدی موعود^(ع)، قیام شخصی به نام «سفیانی» است که در احادیث شیعه در روایات فراوانی بر حتمی بودن آن تاکید شده است، در برخی از احادیث اهل سنت نیز با صراحت از آن به عنوان یکی از نشانه های خروج مهدی^(ع) یاد شده است. امام صادق^(ع) در ذیل تفسیر آیه: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى» (الأنعام، ۲/۶) فرمودند: «که خداوند امر فرمودند دو أجل را، أجل موقوف و أجل محتوم، و سپس فرمودند که خروج «سفیانی» أجل حتمی است. که حتما به وقوع می پیوندد»^۳.

خروج سفیانی که گفته شده او از نسل ابوسفیان است قبل از ظهور اتفاق می افتد که سپاهیان خود را به طرف مدینه و مکه و کوفه و ... می فرستد و در این مدت زمانی فجایع بسیاری را به بار می آورد. در آیات پایانی سوره «سبأ» به طور مشخص به این گروه می پردازد که: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخْلِدُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ * وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ» (سبأ، ۵۱/۳۴-۵۴)؛ «اگر بینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، امانی توانند بگریزند، و آنها را از مکان نزدیکی می گیرند * و در آن حال می گویند ایمان آوردیم، ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند؟ * آنها پیش از این به آن کافر شدند و از مکانی دور دست به جهان غیب پرتاب می شدند [نسبت های ناروا به او می دادند] * سرانجام میان آنها و آنچه مورد علاقه شان بود جدایی افکنده شده همان گونه که به پیروان آنها از قبل عمل گردید چرا که آنها در شک و تردید بودند».

در آیات مورد بحث که آخرین آیات «سوره سبأ» است، در آخرین آیه تعبیری است که نشان می دهد این آیات همه مربوط به دنیا و عذاب استیصال و لحظه جان دادن است، چرا که در آیه آخر می گوید: «میان آنها و آنچه مورد علاقه آنهاست جدایی افکنده می شود، همان گونه که قبل از آن در باره گروه های دیگری از کفار این عمل انجام گرفت». این تعبیر با روز قیامت سازگار نیست، چرا که در آن روز همه انسان ها یک جا برای حساب

جمع می شوند چرا که در روز رستاخیز اولاً: همه انسان ها حضور می یابند و این که در آن موقع چیزی از علائق آنها نیست که بخواهند بین آنها جدایی بیفتد. و در سوره واقعه می خوانیم «قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» (الواقعه، ۵۶ / ۵۰)؛ «بگو اولین و آخرین همگی برای وقت روز معینی جمع آوری می شوند» پس منظور از جمله «أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» این است که این افراد بی ایمان و ستمگر نه تنها نمی توانند از حوزه قدرت خدا فرار کنند بلکه خدا آنها را از جایی گرفتار می کند که بسیار به آنها نزدیک است! همان طور که فرعونیان در امواج نیل که سرمایه افتخار آنها بود دفن شدند؛ یعنی: همان سدّ عظیمی که قلب آبادی آنها و مایه حیات و حرکت آنان بود ولی عذاب الهی آنان را گرفتار کرد و از نزدیکترین مکان گرفتار شدند تا به این وسیله قدرت نمایی خدا را ببینند.

بسیاری از پادشاهان ظالم نیز به وسیله نزدیکترین افرادشان به قتل رسیدند و نابود شدند، و بسیاری از قدرتمندان ستمگر از درون خانه هایشان آخرین ضربت را خوردند. پس مشخص می شود که این عذاب در دنیا اتفاق می افتد و روایات فراوانی هم از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده این آیه تطبیق بر خروج «سفیانی» و گروهی که پیرو مکتب أبو سفیانی اند و تفاله های عصر جاهلیت اند و بر ضد طرفداران حق در آستانه قیام مهدی (ع) خروج می کنند دارد که آنها به هنگام حرکت به سوی مکه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند، و زمین لرزه شدیدی سبب شکافتن زمین و فرو رفتن آنها در آن می شود، در حقیقت سفیانی از مصادیق «أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» است که آنها از نقطه ای که زیر پایشان است گرفتار چنگال عذاب الهی می شوند.^۴

پیامبر (ص) در مورد خروج سفیانی به معاویه گفته بود که مردی از فرزندان تو که شوم و ملعون و احمق و خشن و وارونه قلب و سنگدل و غلیظ است و دائی هایش از طایفه کلب است، گویا او را می بینم، و اگر بخواهم نام او و صفتش و این که چند سال سن دارد را ذکر می کنم، او لشگری به مدینه می فرستد آنان وارد شهر می شوند، و کشتار و فواحش را از حد می گذرانند و آنگاه که وارد سرزمین «بیداء» شدند و مستقر گردیدند خداوند آنان را در زمین فرو می برد. خداوند عزوجل می فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» اگر ببینی وحشت زده می شوند و از دست نمی روند بلکه از مکانی نزدیک

گرفته می شوند؛ یعنی: از زیر پاهایشان، و از لشکر آنها جز فردی که خداوند صورت او را به پشت سرش بر می گرداند، باقی نمی ماند.^۵

و در سوره نساء در مورد همین لشکر سفیانی آورده شده که این افراد همگی شان دچار عذاب الهی می شوند و از بین می روند به جز دو نفر که آنها هم به اذن خدا صورت هایشان به پشت برگردانده می شود و زنده ماندن آنها با این حالت جز این نیست که سرگذشت لشکریان همراه خود را به گوش دیگران برسانند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا» (النساء، ۴/۴۷)؛ «ای اهل کتاب! به آنچه بر پیامبر اسلام نازل کردیم که تصدیق کننده آنچه که با شماست [کتاب] ایمان بیاورید پیش از آن که چهره هایی را بازگردانیم [به کیفر تکبر]». از شیخ مفید هم به سند از جابر از امام محمد باقر^(ع) آمده که این خبر در مورد لشکر سفیانی است.^۶

در سوره اسراء آمده که: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عَلَيْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (الاسراء، ۹/۱۷)؛ «امید است پروردگارتان باز بر شما مهربانی کند و اگر بازگردید، [ما نیز به کار کیفر شما] برمی گردیم و جهنم را زندان کافران قرار داده ایم». علی بن ابراهیم، فی تفسیره المنسوب الی الصادق^(ع) قال: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ» ای ینصركم علی عدوكم، ثم خاطب بنی امیه فقال: «وَإِنْ عُدتُمْ عَلَيْنَا» یعنی: عدتم بالسفیانی، عدنا بالقائم من آل محمد^(ص)، «وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» ای حسبنا یحصرون فیها؛ علی بن ابراهیم: در تفسیرش - که منسوب به امام صادق^(ع) است - گوید: «امید است پروردگارتان باز بر شما مهربانی کند» یعنی: شما را بر دشمنتان پیروز فرماید. سپس به بنی امیه خطاب کرد و فرمود: «و اگر [به عصیان و گناه] بازگردید، [ما هم به عقوبت شما] برمی گردیم»؛ یعنی: اگر به وسیله سفیانی بازگردید، ما به وسیله ی قائم از آل محمد^(ص) بازمی گردیم، «و جهنم را زندان کافران قرار دهیم» یعنی: زندانی که در آن محصور بمانند.^۷

خسف بیداء

واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه

و مدینه است منظور از این نشانه این است که سفیانی با لشگری که به قصد جنگ با حضرت مهدی (ع) عازم مکه می شود در راه بین مکه و مدینه و در محلی معروف به «بیداء» به صورت معجزه آسا در زمین فرو می روند.^۸ در خصوص این واقعه در چند روایت در تفسیر آیه سوره نحل آورده شده که: «أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» (النحل، ۱۶/۴۷)؛ «آیا کسانی که اعمال بد انجام دادند از این که خداوند آنها را در زمین فرو برد، یا بدون این که متوجه باشند عذاب بر آنها فرستد ایمن هستند؟».

در تفسیر عیاشی از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که: «آن قوم دشمنان خدا می باشد که به زمین فرو روند»^۹. هم چنین طبرسی روایت نموده از ابوحزمه ثمالی از امام زین العابدین (ع) و حسن مثنی پسر امام حسن مجتبی (ع) شنیدم که گفتند: «آنها لشگری در سرزمین بیداء هستند که زیر پای آنها فرو می رود و زمین آنها را در کام خود فرومی برد». در تفسیر برهان از نعمانی و او به سند خود از جابر از امام باقر (ع) روایت آورده که در ضمن حدیثی طولانی در وصف خروج سفیانی فرمود: «در آخر الزمان وقتی سفیانی خروج می کند با لشکرش در بیداء - بیابانی گسترده - لشکرگاه می سازد، پس صدایی از آسمان ندا می دهد: ای بیداء این مردم را با خسف [فرو بردن در زمین] نابود کن: پس زمین می شکافد و به جز چند نفر که خدا صورت هایشان را به پشت برگردانده باقی نمی ماند، و این افراد درست از سگانند، و آیه زیر در باره آنان نازل شده که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا» (النساء، ۴/۴۷).^{۱۰}

رسول اکرم (ص) در باره این گروه فرموده اند: «فیبعث إلیه جيش من الشام حتی إذا كانوا بالبیداء خسف بهم...؛ گروهی از شام به سوی او برانگیخته می شوند، چون به نقطه «بیداء» می رسند به زمین فرو برده می شوند»^{۱۱}. و این زمانی است که قائم (ع) به سر زمین «بیداء» برسد، و لشکر سفیانی در برابرش صف آرایی می کند، پس خدای عز و جل زمین را دستور می دهد، تا پاهای ایشان را در خود فرو ببرد، و بگیرد، و در باره همین مورد است، که خدای عز و جل می فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فُرَعُوا فَلَاقُوا قَوْمًا وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ» (سبأ، ۳۴/۵۱ و ۵۲)؛ آن موقع می گویند: اینک ما به قائم آل محمد (ع) ایمان

آورده ایم، «وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُوسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ... وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» (سبأ، ۳۴/۵۳ و ۵۴)؛ «یعنی: بین آنان و عذاب نشدن، حائل ایجاد می شود، «كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ» یعنی: آنهايي که قبل از آن ایشان را تکذیب می کردند هلاک می شوند» «مِنْ قَبْلِ إِنْهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ» (سبأ، ۳۴/۵۴). که در آیه ۵۱ عبارت «مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» به سرزمین بیداء و خسف در آن اشاره دارد^{۱۲}. و در پایان هم جز دو نفر از آنها باقی نمی ماند، و جز این نیست که باقی ماندن آنها برای این است که سرگذشت آنها را به دیگران خبر دهند.

مرحوم «علامه مجلسی» روایات متعددی در بحار الأنوار از امام باقر (ع) و پیامبرگرمی اسلام (ص) در این زمینه نقل کرده که نشان می دهد یکی از مصادیق آیات مورد بحث اولاً مسأله خروج «سفیانی» به هنگام قیام مهدی (ع) است و این که خداوند آنها را از نزدیکترین مکان که همان سرزمین بیداء می باشد، گرفته و نابود می کند.^{۱۳}

ندای آسمانی

ندای آسمانی یا «صیحه» یکی دیگر از وقایع حتمی و از نشانه های ظهور است. امام صادق (ع) در این مورد فرموده اند: «النداء من المحتوم...؛ ندای آسمانی از امور حتمی است».^{۱۴}

ندای آسمانی از جمله وقایع ظهور می باشد که به إذن خدا بوسیله جبرئیل همه انسان ها این ندا را می شنوند و یکی از آیاتی که در تفاسیر روایات مربوطه به این واقعه مطرح شده است؛ این آیه می باشد: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (الشعراء، ۲۶/۴)؛ «اگر اراده کنیم و مشیت ما تعلق بگیرد، هر آینه نازل می کنیم بر آنها از آسمان، آیه و نشانه ای که گردن آنها را کج می کند و فرو می برد در حال نزول آن آیه و خاضع و خاشع می شوند».

اخبار بسیار بالغ بر چهارده حدیث از ائمه اطهار رسیده که این آیه که از آسمان نازل می شود، صیحه آسمانی است که قبل از ظهور حضرت بقیة الله ظاهر می شود و از علائم ظهور است.^{۱۵}

أبو بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هنگامی که آتشی را شبیه به رنگ زرد و سرخ، بسیار بزرگ مشاهده کردید که از جانب مشرق سه روز یا هفته ای سر

زده است، پس چشم به راه فرج آل محمد (ص) داشته باشید. *إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ* که خداوند عزیز و حکیم است». سپس فرمود: «آن صیحه جز در ماه رمضان بر نخواهد خاست زیرا ماه رمضان ماه خدا است، [و آن صیحه که در آن است] همان آوای بس بلند جبرئیل (ع) بدین مردمان است». بعد فرمود: نداکننده ای از آسمان به نام حضرت قائم (ع) ندا سر می دهد و هر که در مشرق و مغرب است می شنود، هیچ خفته ای نمی ماند مگر اینکه بیدار می گردد، و هیچ ایستاده ای نمی ماند مگر این که می نشیند، و هیچ نشسته نیست مگر این که از وحشت آن صدا بر دو پای خویش بر می خیزد، پس خداوند هر که را بدان آوا عبرت بپذیرد و پاسخ گوید مورد رحمت خود قرار می دهد. صدای نخستین که شنیده می شود آوای جبرئیل روح الامین (ع) است». سپس فرمود: «آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم است، پس در آن تردید نکنید بشنوید و اطاعت کنید، و در پایان روز آواز ابلیس ملعون است به گوش می رسد، که ندا در می دهد: بدانید که فلانی مظلومانه کشته شد، برای این که مردم را دچار شک و گرفتاری سازد. پس بسی افراد شک کننده و سرگردان در آن روز [پدید می آیند] که در آتش سرازیر خواهند شد، پس اگر در ماه رمضان آوایی شنیدید در آن تردید نکنید که آن صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که او به نام «قائم و اسم پدرش» ندا سر می دهد». و آن حضرت فرمود: «ناگزیر و بدون شک قبل از خروج قائم (ع) این دو صدا برخواهد خاست: صدائی از آسمان و آن آوای جبرئیل است، [به نام صاحب این امر و نام پدرش]، و صدای دومین از زمین بر می خیزد، و آن آوای ابلیس لعین است که ندا می کند به نام فلانی که او مظلومانه کشته شد، و همه هدفش از آن ایجاد فتنه است، پس صدای نخستین را پیروی کنید و بپرهیزید از صدای دوم [ابلیس] که بدان دچار گرفتاری شوید». ۱۶

امام صادق (ع) فرمود: «فریادی که از آسمان کشند در ماه رمضان و شب جمعه بیست سه از ماه رمضان است». ۱۷

در ذیل آیه: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (الشعراء، ۴/۲۶) آبی بصیر می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم، آنان چه کسانی هستند که گردن هایشان خاضع می شود؟ گفت: «آنان بنی امیه و پیروان شان می باشند».

در روضه الکافی از عمر بن حنظله نقل شده که از ابا عبدالله شنیدم که: «پنج علامت

از علامات قبل از قیام قائم است؛ صیحه، و سفیانی، و خسف، و قتل نفس زکیه، و یمانی. پس پرسیدم فدایت شوم اگر قبل از این علامات فردی از اهل بیت شما خروج کرد آیا با او باشیم؟ فرمودند: «نه!». و بعد از تلاوت آیه: «إِنْ نَشَأْ نُزَلِّ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»؛ گفتم آیا آن صیحه است؟ فرمودند: «اگر صیحه آسمانی باشد: خضعت اعناق اعداء الله»^{۱۸}. و آن ندایی است که در شرق و غرب عالم شنیده می شود.

زرارة نقل می کند از امام صادق (ع) سؤال کردم آیا این نداء خصوصی است یا عمومی؟ فرمودند: «عمومی است و هر قومی آن ندا را با زبان خویش می شنوند». عرض کردم پس چه کسی با حضرت مخالفت خواهد کرد، در حالی که «نام» او ندا می شود؟ فرمود: «ابلیس آن ها را و نخواهد گذارد تا این که در آخر شب ندا می کند و مردم را به شک می اندازد».

قتل نفس زکیه و امر ظهور

یکی دیگر از نشانه های حتمی ظهور کشته شدن انسان پاک و بی گناه در آستانه قیام حضرت مهدی (ع) بین رکن و مقام است. در حدیثی از امام محمد باقر (ع) «نفس زکیه» را از اولاد امام حسین (ع) دانسته و کشته شدن او را یکی از نشانه های بارز ظهور قرار داده است. «و قتل غلام من آل محمد (ص) بین الرکن و المقام، اسمہ محمد بن الحسن، النفس زکیه». در مورد نحوه کشته شدن وی گفته شده او مأمور است که در کنار کعبه بگوید: «ما از اهل بیت رسالت هستیم و از ذریه محمد صلی الله و سلاله پیغمبرانیم ما مظلوم واقع شدیم و مردم به ما ستم نمودند و از هنگام رحلت رسول (ص) تا امروز حق ما غصب شده است. اکنون از شما چشم یاری داریم پس ما را یاری کنید». وقتی آن جوانمرد به این سخن تکلم می نماید، بر او هجوم می آورند و او را بین رکن و مقام به شکل خاصی سر می برند^{۱۹}. فاصله کشته شدن او تا قیام قائم بیشتر از پانزده روز نمی کشد.^{۲۰}

مهدی موعود (ع) کنار کعبه می ایستند و گریه و تضرع می کند، خداوند عزوجل در همین مورد می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» (النمل، ۲۷/۶۲)؛ «یا چه کسی است که وقتی مضطر او را می خواند اجابت کند و ناراحتی را از بین ببرد و شما را خلیفه های در زمین قرار دهد». این آیه مخصوص به

اهل بیت است . ۲۱

سپس قیام قائم از مکه خواهد بود در حالی که در کنار بیت الله الحرام مردم را صدا می زند و می فرماید: «ای مردم ما از خدا یاری می طلبیم هر کس از مردم که به ما پاسخ داد، چه بهتر، که ما خاندان پیامبر (ص) می باشیم و ما سزاوارترین مردم هستیم به خدا و به محمد (ص)، و هر کس که با من در باره آدم محاجه کند من سزاوارترین مردم به آدم هستم، و هر کس با من در باره نوح گفتگو کند بداند که من سزاوارترین مردم به نوح می باشم، و هر کس با من در باره ابراهیم احتجاج کند باید بداند که من سزاوارترین مردم به ابراهیم هستم، و هر کس با من درباره محمد (ص) محاجه کند پس من سزاوارترین مردم به محمد هستم، و هر کس با من درباره پیامبران محاجه کند پس من سزاوارترین مردم به پیامبران هستم، مگر نه اینست که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۳/۳۴)؛ «آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را خداوند بر جهانیان برگزید فرزندان هستند برخی از نسل برخی دیگر و خداوند شنوا و دانا است». منم بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده از ابراهیم و محمد صلی الله علیهم اجمعین پس خداوند سیصد و سیزده نفر یاران آن حضرت را بر او گرد می آورد، بدون قرار قبلی و هم چون پاره های ابر پائیز که بهم می پیوندند. و خدا هم در قرآنش در مورد همین افراد است که می فرماید: «أَيُّمَّا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقرة، ۱۴۸/۲)؛ «هر جا باشید خداوند همه شما را می آورد که خداوند بر همه چیز توانا است». ۲۲

امام سجاد (ع) فرموده اند: «آنها که از بستر خود برای یاری امام قائم (ع) ناپدید شوند سیصد و سیزده مرد هستند به شماره اهل بدر، آن شب در مکه باشند و در این مورد خدا می فرماید: «هر جا که باشید خدا شما را بیاورد» آنان اصحاب قائم (ع) باشند. و اولین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل، و بعد سیصد و سیزده نفرند، و این عده هر کدام بتوانند، راه افتاده و خود را به وی برسانند، که می رسانند، و هر کدام به این صورت به وی نرسند، در رختخوابشان ناپدید می شوند». و منظور امیر المؤمنین (ع) از عبارت: «هم المفقودون عن فرشهم؛ ایشان از رختخواب مفقود می شوند» همین است؛ و نیز منظور از آیه: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيُّمَّا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (البقرة، ۱۴۸/۲)؛ «پس در عمل به خیرات

سبقت جوید، که هر جا باشید خدا همگی تان را می آورد» همین است. و فرمود: «منظور از خیرات، ولایت [و محبت اهل بیت (ع) است]».

هم چنین در مورد اصحاب قائم (ع) در سوره هود فرمودند: «وَلَكِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ» (هود، ۸/۱۱)؛ «اگر عذاب را از ایشان تاخیر اندازیم، تا امت معدوده»؛ منظور از امت معدوده اصحاب قائم (ع) است که در عرض یک ساعت همه یک جا جمع می شوند. ۲۳

نتیجه گیری

براساس شواهد روایی و انطباق آنها با آیات چنین بر می آید که ظهور مهدی موعود (ع) دارای علائمی حتمی است که بدون شک امر ظهور بعد از این وقایع که هم چون رشته های به هم پیوسته هستند رخ خواهد داد و طبق آیات و روایات، خروج سفیانی و خسف پیدا و شنیدن صیحه آسمانی هم زمان با ظهور حضرت مهدی (ع) است، که به اراده الهی یاران حضرت نیز هرجا که باشند، در کنار ایشان جمع می شوند.

-
۱. الکافی، ۲/۶۹۴؛ الغیبة «النعمانی»/۳۹۵.
 ۲. مهدی موعود ترجمه ۱۳ بحار الأنوار، ۱/۲۴۷.
 ۳. الغیبة «النعمانی»/۳۰۰.
 ۴. تفسیر نمونه، ۱۸/۱۵۳.
 ۵. اسرار آل محمد (ص) «سلیم بن قیس»/۴۷۷.
 ۶. المیزان، ۴/۳۷۹.
 ۷. سیمای مهدی در قرآن «سید هاشم بحرینی»/۲۷۱.
 ۸. درسنامه مهدویت، ۲/۹۳.
 ۹. بحار الأنوار، ۵۱/۲۶۱.
 ۱۰. المیزان، ۴/۶۰۴؛ الغیبة «نعمانی ترجمه فهری»/۳۲۹.
 ۱۱. المصنّف «صنعانی»، ۱۰/۳۷۱.
 ۱۲. المیزان، ۱۶/۵۹۳.
 ۱۳. تفسیر نمونه، ۱۸/۱۵۳.
 ۱۴. الغیبة «النعمانی»/۲۲۹.
 ۱۵. أطیب البیان، ۱۰/۳.
 ۱۶. الغیبة «النعمانی»/۳۵۸-۳۵۹ و ۳۷۴.
 ۱۷. کمال الدین و تمام النعمة «ترجمه کمره ای»، ۲/۳۶۶.
 ۱۸. نور الثقلین، ۴/۴۶-۴۷.
 ۱۹. زمینه سازان انقلاب جهانی «هاشم شهیدی»/۷۹-۸۰.
 ۲۰. جلوه های اعجاز «راوندی»/۸۰۷.
 ۲۱. اسرار آل محمد (ص) «ص»/۴۴۷.
 ۲۲. الغیبة «نعمانی ترجمه فهری»/۳۲۹.
 ۲۳. المیزان، ۱۶/۵۹۳.